

The Effectiveness of Knowledge and Skills in Responding to Ethical Doubts

Ahmad Fallahzadeh*

Received Date: 2024/12/20

Accepted Date: 2025/2/2

Today, the roots of many social anomalies can be found in the ethical values of individuals or society. "Individual ethics" emerges from life circumstances, types of upbringing, attitudes, and beliefs about life and the future, while "social ethics" represents a combination of personal dispositions of community members, plus cultural attachments and prevailing customs of citizens. The position and importance of knowledge of ethics and attention to it in the success of religious propagation are one of the matters that the preachers of religion must consider; therefore, it is necessary for them to acquire the skill of responding to ethical questions and doubts while becoming familiar with ethical knowledge. The present study, utilizing the method of library data analysis, field studies, and qualitative study methodology (interviews), seeks to answer the question of what level of familiarity with ethical knowledge and what skills should be employed to respond to ethical questions and doubts. The findings suggest that accurate responses to ethical questions require mastery of ethical knowledge (including narrative ethics, applied ethics, etc.) as well as the acquisition of response skills (audience analysis, persuasion techniques, etc.).

Keywords: *Response knowledge, Response skills, Responding to ethical doubts, Answering ethical questions, Audience persuasion skills.*

* Assistant Professor, Department of Islamic History, Faculty of History, University of Religions and Denominations (a.fallahzadeh@urd.ac.ir).

نصف سنوية علمية محكمة
مطالعات شبهه پژوهی
السنة الثانية، الرقم الخامس، الخريف والشتاء ١٤٤٥ق

فاعلية المعارف والمهارات في الرد على الشبهات الأخلاقية

أحمد فلاحزاده*

القبول: ١٤٤٦/٨/٣

الإستلام: ١٤٤٦/٦/١٨

إن حياة أفراد المجتمع وتربيتهم ومواقفهم ومعتقداتهم بشأن الحياة والمستقبل والأخلاق الاجتماعية هي مزيج من ميزات الشخصية والسياقات الثقافية والتقاليد والأخلاق المشتركة لديهم. وإن مكانة المعرفة الأخلاقية وأهميتها والاهتمام بها في نجاح الدعوة الدينية من الأمور التي تقتضي من جميع دعاة الشريعة الاهتمام بها. لذلك، وبالإضافة إلى التعرف على علم الأخلاق، يجب عليهم اكتساب المهارات اللازمة للإجابة على الأسئلة والرد على الشبهات الأخلاقية. فإن الدراسة الحالية، وباستخدام المنهج الوثائقي والدراسات الميدانية والبحث النوعي (المقابلة)، قد سعت إلى الإجابة على سؤال ما هو مستوى الإلمام بعلم الأخلاق وما هي المهارات التي يجب استخدامها للإجابة على الأسئلة والرد على الشبهات الأخلاقية؟ تشير النتائج إلى أن الإجابة الدقيقة على الأسئلة الأخلاقية تتطلب الاضطلاع في علم الأخلاق (بما في ذلك الأخلاق النظرية (الدينية المنقولة)، والأخلاق العملية، وما إلى ذلك) بالإضافة إلى اكتساب مهارات الإجابة والرد (معرفة الجمهور، والإقناع، وما إلى ذلك).

الكلمات المفتاحية: معرفة الإجابة والرد، مهارة الإجابة والرد، الرد على الشبهات الأخلاقية، الإجابة على الأسئلة الأخلاقية، مهارة إقناع الجمهور.

* أستاذ مساعد، قسم التاريخ الإسلامي، كلية التاريخ، جامعة الأديان والمذاهب (a.fallahzadeh@urd.ac.ir).

کارآمدی دانش و مهارت در پاسخ‌گویی به شبهات اخلاقی

احمد فلاح‌زاده*

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۳۰

چکیده

امروزه ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی را در ارزش‌های اخلاقی افراد یا جامعه می‌توان یافت. «اخلاق فردی» برآمده از وضعیت زندگی، نوع تربیت، نگرش‌ها و باورهای آنها نسبت به زندگی و آینده و «اخلاق اجتماعی» ترکیبی از روحیات شخصی افراد جامعه، به اضافه پیوست‌های فرهنگی و آداب و رسوم رایج شهروندان است. جایگاه و اهمیت دانش اخلاق و توجه به آن در موفقیت تبلیغات دینی، یکی از اموری است که باید طیف مبلغان شریعت، بدان توجه کنند؛ از این رو بایسته است ایشان ضمن آشنایی با دانش اخلاق، مهارت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات اخلاقی نیز کسب نمایند. مطالعه پیش رو با بهره‌گیری از روش تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و روش مطالعه کیفی (مصاحبه)، به دنبال پاسخ به این پرسش است که برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات اخلاقی چه سطحی از آشنایی با دانش اخلاق و چه مهارت‌هایی را باید به کار بست؟ یافته‌ها بر آن است پاسخ‌گویی دقیق به پرسش‌های اخلاقی، نیازمند تسلط بر دانش اخلاق (اعم از اخلاق روایی، کاربردی و...) و نیز کسب مهارت‌های پاسخ‌گویی (مخاطب‌شناسی، اقناع‌سازی و...) است.

واژگان کلیدی: دانش پاسخ‌گویی، مهارت پاسخ‌گویی، پاسخ‌گویی به شبهات اخلاقی، پاسخ‌گویی به پرسش‌های اخلاقی، مهارت اقناع مخاطب.

مقدمه

آموزش مهارت‌های لازم برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات دینی، یکی از لوازم کار تبلیغی است. در این میان دانش اخلاق و بهره‌گیری از مهارت اخلاقی در پاسخ‌گویی، از موضوعات پرکاربرد پژوهشی به‌ویژه در عرصه تبلیغ دینی به‌شمار می‌روند. یکی از مهارت‌های پاسخ‌گویی، توجه به دانش اخلاق و نیز به‌کاربردن مهارت‌های اخلاقی در جهت اقتناع (باورمندساختن) مخاطب است؛ زیرا اخلاق پاسخ‌گویی، امری مهم در نظام مهارت گفت‌وگوی دینی بوده و عدم پاسخ‌گویی مناسب و به‌موقع، به ایجاد جوّ بی‌اعتمادی و سردی روابط دوسویه حوزه علمیه و مردم منجر خواهد شد. تحقیق پیش رو می‌کوشد با این فرضیه که پاسخ‌گویی به پرسش‌های اخلاقی نیازمند دانش و مهارت همزمان است، این موضوع را تبیین نماید. در پژوهش حاضر علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی (تجربه‌کاری چهارده‌ساله نویسنده در پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی)، با کارشناسان برجسته پاسخ‌گویی اخلاق نیز مصاحبه شده است.

۱۸۰



۱. پیشینه

به‌رغم جست‌وجوی فراوان فقط چند مقاله قابل ذکر به‌دست آمد که البته از نظر ساختاری و محتوا با پژوهش حاضر کاملاً متفاوت‌اند. این موارد را با یکدیگر مرور می‌کنیم:

مقاله «بررسی و نقد نظریه تقدم اخلاق بر دین» نوشته حسین جماعتی اساساً به شبهه «تقدم اخلاق بر دین» پرداخته است. در این شبهه آمده است: در صورت تعارض اخلاق با گزاره‌ها و آموزه‌های دینی از جمله گزاره‌های فقهی، گزاره‌های اخلاقی مقدم است. نویسنده مقاله به شبهه این‌گونه پاسخ می‌دهد که میان اخلاق و آموزه‌های دینی، تعامل و همگرایی وجود دارد و عقل خود درمی‌یابد که توانایی آن در شناخت همه ارزش‌های اخلاقی و دینی محدود است و به وحی نیاز دارد.

مقاله «نقض شبهات اتهام اخلاق طبقاتی در قرآن» نوشته سیدمهدی جلیل‌پور درصدد پاسخ‌گویی به شبهاتی است که درباره طبقاتی بودن اخلاق در کتاب «نقد قرآن» مطرح شده است. وی با توسل به آیاتی از قرآن کریم و احادیثی از اهل سنت، مدعی است اسلام نه تنها نکات اخلاقی جدیدی ارائه نداده است، بلکه اخلاق انسانی را نابود کرده و آن را اخلاق طبقاتی کرده است. نویسنده مقاله در پاسخ به شبهه مطرح‌شده به این نتیجه رسید که شبهات مطرح‌شده، قدمت تاریخی دارد که در هر برهه‌ای به فراخور زمان مطرح و بدان پاسخ داده شده است.

مقاله «اخلاق و پاسخ‌گویی» به‌قلم تقی صادقی، بر آن است تا ضمن ارائه تعریفی از

«پاسخ‌گویی» در دو بُعد نظری و عملی به رابطه اخلاق و پاسخ‌گویی بپردازد. او در بخش پایانی مقاله به برخی آداب و آثار پاسخ‌گویی پرداخته است. با این حال از نظر روشی و محتوایی، با پژوهش حاضر متفاوت است.

مقاله «تأملی در مهارت‌های بینشی و دانشی در پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی» از همین قلم که در همین فصلنامه منتشر شده، از نظر محتوایی با مقاله حاضر کاملاً متفاوت است. در مقاله مذکور به هردو مقوله (دانش و بینش) شامل اطلاعات و مهارت‌های قابل انتقال در پاسخ‌گویی به شبهات دینی به صورت کلی اشاره شده و به صورت تخصصی وارد مباحث اخلاقی نشده است. سرفصل‌های مقاله مذکور شامل: مفهوم‌شناسی مهارت بینشی، مهارت بینش تمدنی، مهارت بینش اعتقادی، مهارت بینش فرهنگی، مهارت بینش سیاسی، مهارت بینش اجتماعی، مهارت بینش مذهبی، مهارت دانشی در پاسخ‌گویی به مسائل دینی، اصول مهارت دانشی، شناخت ابزارها، تجربه‌آموزی و... اصولاً در مقاله پیش رو مورد بحث نیستند. از سوی دیگر مقاله حاضر به صورت متمرکز به شبهات اخلاقی با ساختار و چینش دیگری پرداخته است و شباهت متنی نیز میان دو مقاله هرگز دیده نمی‌شود.

مقاله پیش رو می‌کوشد با در نظر گرفتن دو مقوله دانش و مهارت در پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات اخلاقی، ادبیات نوشتاری دانش و مهارت را نیز به مقوله پاسخ‌گویی وارد نماید.

۲. مفهوم‌شناسی

شماری از مفاهیم در دانش اخلاق و روش پاسخ‌گویی به شبهات، لازم به دقت‌اند که در ادامه از نظر خواهد گذشت:

۲-۱. اخلاق

در گذشته تعریف «اخلاق» به بحث خُلق و صفات درونی انسانی بازمی‌گشت؛ مثلاً ابن‌مسکویه در تهذیب‌الأخلاق می‌گوید: «اخلاق همان صفات نفسانی راسخ و پایداری است که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل از آدمی صادر شود»^۱ (ابن‌مسکویه، ۱۴۲۶، ص ۱۱۵)، اما فیض کاشانی در کتاب الحقائق فی محاسن الأخلاق می‌نویسد: «و لیس عبارة عن الفعل فربّ شخص خلقه السخاء و لا یبذل إثمًا لفقد المال أو لمعان آخر و ربّما یکون

۱. «الخلق حال للنفس داعية لها إلى أفعالها من غير فکر و لا روية».

خلقه البخل و هو يبذل لبعث أو رياء» (فیض کاشانی، ۱۴۲۳، ص ۵۹). بعدها تعریف‌هایی از اخلاق مطرح شد که حوزه رفتار را نیز دربرمی‌گرفت و در این حوزه گستره بیشتری یافت.

۲-۲. پرسش اخلاقی

پرسش اخلاقی، پرسشی است که ناظر به یک موضوع اخلاقی پرسیده می‌شود؛ مانند معنای تکبر یا حسادت یا تواضع یا علت آن و راه‌های درمان آن. البته گاهی پرسش در حیطه رفتاری به وجود می‌آید که در این صورت پرسش عمیق‌تر است.

۲-۳. شبهه اخلاقی

منظور از شبهه اخلاقی، شبهاتی است که در درون دانش اخلاق پیش آمده است یا به دانش اخلاق مرتبط است؛ مانند موضوع تقدم و تأخر دین و اخلاق بر یکدیگر یا نگاه به مفاهیم فقهی از دریچه اخلاق؛ مانند موضوع حجاب و اینکه چرا جنبه‌های گوناگونی را در مفاهیم و مباحث دینی شامل ابعاد تاریخی، قرآنی - حدیثی و حتی کلامی دارد؟ یا مباحثی مانند بحث آزادی و اختیار انسان. در همین حوزه، تعارض فقه و اخلاق نیز مطرح می‌شود. شبهات اخلاقی دارای زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... هستند.

۳. روش تشخیص پرسش اخلاقی از شبهه اخلاقی

در میان پرسش‌ها و شبهات اخلاقی، فاصله‌ای کاملاً مشخص وجود دارد که آن را در نوع بیان پرسش‌ها می‌توان درک کرد. پرسش اخلاقی یعنی پرسشی که درباره یک موضوع اخلاقی مانند تکبر یا حسادت و... یا فراتر از اینها درباره مبادی علم اخلاق یا اخلاق اسلامی یا غایت اخلاق اسلامی پرسیده می‌شود.

اما شبهه اخلاقی به معنای شک و تردید در امور اخلاقی و شامل مواردی است که فرد، یک موضوع اخلاقی را یا به لحاظ دینی یا به شکل فرادینی دیده و برایش چالشی به وجود آمده است و آن را نمی‌تواند درک کند؛ مثلاً می‌گوید تواضع برای من قابل حل نیست!! چون تواضع به خرج دادم، ولی نتیجه تواضعم این بود که از من سوء استفاده کردند!! البته گاهی شبهات عمیق‌تر است؛ مثلاً کسانی که مباحث روز در اخلاق یا کتب اخلاقی را در غرب مطالعه کردند، دچار یک سری چالش‌ها شده‌اند. در این‌گونه شبهات، زمانی که کسی دین را محدود در امور فردی دیده و اخلاق را در دایره دین نیند، این شبهه برایش باقی می‌ماند. گاهی نیز این موضوع از حد شبهه عبور کرده و

نظر مقابل را پذیرفته است و الآن شبهه به شکل پرسش نیست، بلکه از این جهت است که پرسش‌گر می‌خواهد نظر پاسخ‌گو را در آن باره به چالش بکشد و ردّ کند (ر.ک: شجاعی، ۱۳۹۹)؛ برای مثال کتاب نقد قرآن، با توسل به آیاتی از قرآن کریم و احادیثی از اهل سنت مدعی است اسلام نه تنها نکات اخلاقی جدیدی ارائه نداده است، بلکه اخلاق انسانی را نابود کرده و آن را اخلاق طبقاتی کرده است (جلیل‌پور، ۱۴۰۳، ص ۳۵)، یا در نظریه تقدم اخلاق بر دین، یکی از شبهات مطرح در مورد رابطه اخلاق و دین یعنی «تقدم اخلاق بر دین» است که بر اساس آن در صورت تعارض اخلاق با گزاره‌ها و آموزه‌های دینی از جمله گزاره‌های فقهی، گزاره‌های اخلاقی مقدم خواهند بود (جماعتی، ۱۳۷۷، ص ۷۷). همه اینها مواردی است که نشان می‌دهد چگونه شبهات اخلاقی را می‌توان از پرسش‌های اخلاقی جدا کرد. در مقاله حاضر با پذیرش این دیدگاه، به تفکیک شبهات از پرسش‌های اخلاقی پرداخته خواهد شد.

۴. اخلاق حرفه‌ای

اخلاق حرفه‌ای مجموعه قواعدی است که باید افراد داوطلبانه و بر اساس ندای وجدان و فطرت خویش در انجام کار حرفه‌ای رعایت کنند؛ بی‌آنکه الزام خارجی داشته باشند یا در صورت تخلف، به مجازات‌های قانونی دچار شوند. در واقع مفهوم اخلاق حرفه‌ای نوعی بحث درونی نسبت به شبهات اخلاقی نیست، بلکه یادآوری پای‌بندی به روشی برای بهتر کار کردن است. امروزه در اخلاق حرفه‌ای، شعار «شما حق دارید و من تکلیف»، مبنای هرگونه اخلاق در انجام کار است؛ بر همین اساس «مسئولیت‌پذیری»، «برتری‌جویی و رقابت‌طلبی»، «صادق‌بودن»، «احترام به دیگران»، «رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی»، «عدالت و انصاف»، «همدردی با دیگران» و «وفاداری» پیامد این نگاه است. در حال حاضر در جامعه ایرانی و به‌ویژه در محیط کار، کمتر به اخلاق حرفه‌ای توجه می‌شود، در حالی که در غرب سکولار، در دانش‌های مربوط به مدیریت و سازمان، شاخه‌ای با عنوان اخلاق حرفه‌ای وجود دارد. اخلاق حرفه‌ای منعکس‌کننده هنجارهای درونی حرفه و احساس تعهد اخلاقی از سوی حرفه‌ای‌ها و نهادهای تخصصی آنهاست، نه آنکه در قالب بایدها و نبایدهای اخلاقی گوشزد شود؛ چنان‌که تحویل منشور اخلاقی سازمان به عهدنامه اخلاقی حرفه‌ها نوعی از تحویلی‌نگری است (ر.ک: امیری و دیگران، ۱۴۰۲). مقاله حاضر با پذیرش این دیدگاه و توسعه اخلاق حرفه‌ای به دو مقوله دانش و مهارت در پاسخ‌گویی خواهد پرداخت.



۵. جایگاه اخلاق فردی در مهارت پاسخ‌گویی دینی

پاسخ‌گویی دینی بدون رعایت اخلاق حسنه امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در آموزه‌های دینی، ارزش هر عمل به حُسن فاعلی (نیت) و فعلی (چگونگی انجام) آن است؛ از این رو با فقدان هریک از این دو، ارزش الهی خود را از دست می‌دهد. حتی از منظر عرفانی، همه افعال طبیعی مانند رفع نیازهای اولیه حیات، می‌توانند ارزش اخلاقی و الهی داشته باشند؛ بنابراین حضور عنصر اخلاق در فعل پاسخ‌گویی در گام نخست به ارزشمندی پاسخ‌گویی انجامیده و روند رو به رشدی در پاسخ‌گویی را به دنبال دارد؛ زیرا پاسخ‌گو خود را در محضر خدای متعال می‌بیند و هرگز آگاهی دادن نسبت به حقیقتی را که مردم از آن ناآگاه‌اند، کم‌ارزش نمی‌شمرد. از آنجاکه پاسخ‌گویی دینی به نوبه خود رفتاری اخلاقی قلمداد می‌گردد، همانند سایر امور اخلاقی از آداب ویژه برخوردار است. برخی از این آداب را که پاسخ‌گوی پرسش‌های اخلاقی باید رعایت کند، این‌گونه می‌توان برشمرد: صراحت و شجاعت، صداقت و راستی، پرهیز از فرافکنی، رازداری و عیب‌پوشی و پرهیز از شتابزدگی (ر.ک: صادقی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۱).

۶. قلمروهای دانش اخلاق در پاسخ‌گویی

دانش اخلاق همچون سایر علوم، قلمرو ویژه خود را طی کرده است و حاوی اصطلاحاتی کاربردی است که در ادامه بدان اشاره خواهد شد:

۶-۱. اخلاق روایی

اخلاق روایی آن ویژگی‌های اخلاقی است که بر پایه سخن محدثان در جامعه ایجاد شده است؛ بدین‌گونه که آنان با نقل آیات اخلاقی قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ و سیره امامان علیهم‌السلام در بین مردم، اخلاقی برآمده از روایات را در میان مردم نشر داده‌اند که به آن اخلاق روایی گفته می‌شود؛ زیرا منشأ بیشتر آنها روایت است، در عین حال فاقد هرگونه ساختارمندی و نظام است. در گذشته، بیشتر این مباحث در نصیحت‌ها و موعظه‌ها خلاصه می‌شد و شاید ضرورتی احساس نمی‌کردند تا به صورت منطقی و علمی به مباحث در این باره پرداخته شود (جاودان، ۱۳۹۰، ص ۶).

نکته مهم اینکه در حوزه اخلاق روایی - قرآنی باید با کارکرد آن آشنا بود؛ زیرا باید پذیرفت حتی در عرب جاهلی نیز اخلاق به نوعی وجود داشت؛ چنان‌که مفاهیمی همچون سخاوت یا جوانمردی، مفاهیمی بودند که در میان ایشان دیده می‌شد. در سایر جوامع حتی پیش از ظهور

حضرت عیسیٰ علیه السلام، فیلسوفان یونانی به موضوع اخلاق پرداخته بودند؛ مثلاً کتاب اخلاق نیکوماخوسی، شناخته‌شده‌ترین اثر ارسطو درباره اخلاق بود که در آن اخلاق به معنای عام، لزوماً مفهوم درون‌دینی نداشت. البته اخلاق اسلامی با توجه به مبادی آن، مفهومی درون‌دینی دارد که هم برآمده از فطرت الهی است و هم مغایر با آنجاکه حکم اخلاقی عقل نیست.

یکی از کارهایی که در قرآن و روایات انجام شده است، بازپروری مفاهیم اخلاقی فراموش شده جامعه پیش از خود بود. مردمان آن دوره به دلیل جهالت و دوری از دانش و توجه نکردن به امور عقلی، از این موضوعات فاصله گرفته بودند؛ مانند غیبت و بدگویی که هر دو امر زشتی بودند، ولی در میان مردم رواج داشت و این متون دینی بودند که با غیبت، بسیار تند برخورد کردند، در حالی که با نگاه عقلانی، میزان اهمیت آن قابل درک نیست، اما در بُعد دینی، چون پروردگار عالم، مصالح و مفاسد را می‌داند، میزان بدی آن را روشن کرده است؛ پس باید پذیرفت در اخلاق قرآنی و روایی، ظرایفی وجود دارد که احیاناً ممکن است با عقل بشری نتوان به آن رسید (ر.ک: شجاعی، ۱۳۹۹).

برای بهره‌گیری از اخلاق روایی، بسیاری از متون کهن فارسی همچون مثنوی مولوی، مثال‌های زنده و روشنی از ذکر نکات اخلاقی در دل داستان‌ها را ارائه می‌دهند. در این روش، هم می‌توان از داستان زندگی پرسش‌گر و تجربه او از بیماری برای مثالی مناسب به منظور آموزش مفاهیم اخلاقی استفاده کرد و هم می‌توان با کمک شیوه‌های نقد ادبی به تحلیل چالش‌های اخلاقی پرداخت (باقری، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

در حقیقت اخلاق روایی یک مکتب است و پاسخ‌گو پیش از پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، نسبت به این حوزه اخلاقی باید اشراف داشته باشد تا بتواند پاسخ مطلوبی ارائه دهد، ولی اینکه در پاسخ‌گویی از کدام استفاده کند یا چگونه استفاده کند، در اینجا چندان نمی‌توان از مکتب کاربردی نام برد؛ زیرا گاهی عین آن مکتب در پاسخ‌گویی ممکن است منعکس نشود یا قابل انعکاس نباشد.

۶-۲. اخلاق فلسفی

اخلاق فلسفی با پیشینه‌ای یونانی و برآمده از سبک اخلاق فلسفی یونانی است که ساختار و روش را مشخص می‌کند و یک نظام درخت‌واره‌ای مشخص دارد. در واقع فیلسوفان اسلامی آن ساختار را پسندیدند و در قالب آن ساختار، اخلاق اسلامی را عملیاتی کردند؛ برای مثال کتاب تهذیب الأخلاق و تطهیر الاعراق از ابن مسکویه، این ساختار را برگرفته و محتوا را در آن قرار داده است. کتابی مانند معراج السعاده و جامع السعادات نزاقی نیز در همین قالب است. در حوزه جدید اخلاق فلسفی، به فلسفه اخلاق پرداخته می‌شود. این حوزه، حوزه مدرنی است که چند

دهه گذشته در ایران رشد یافته و آثار ترجمه شده فراوانی از آن به جای مانده است (جمشیدی مهر و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱۷۵).

گفتنی است حوزه فلسفه اخلاق به سه بخش تقسیم می‌شود: ۱. بخش فرااخلاق؛ ۱. بخش اخلاق هنجاری؛ ۳. اخلاق کاربردی. فرااخلاق می‌گوید ملاک خوبی چیست؟ آیا خوبی‌ها عینی‌اند؟ در اینجا امور صرفاً ذهنی‌اند.

۳-۶. اخلاق تلفیقی

در اخلاق تلفیقی از آموزه‌هایی که در آگاهی و حرکت انسان مؤثر باشد، اعم از استدلال عقلی و فلسفی و اخلاق سلوک بهره‌گیری می‌شود. با توجه به اینکه اخلاق‌ورزی دارای مولفه‌های: «حساسیت اخلاقی»، «قضاوت اخلاقی»، «انگیزش اخلاقی» و «مهارت عملی» است و خبرگی اخلاقی مستلزم رشد در هر چهار حیطه می‌باشد، روش در چهار حیطه مذکور نیازمند تقویت همزمان «ذهنی شهودی» و «ذهن استدلالی» است که از طریق برنامه تربیت اخلاقی تلفیقی این امکان به دست خواهد آمد (وجدانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۵).

اخلاق تلفیقی به‌عنوان سبک پاسخ‌گویی می‌تواند قسیم روش‌های دیگر نیز باشد؛ یعنی به‌عنوان سبک پاسخ‌گویی در نظر گرفته شود؛ چنان‌که اگر کسی سبک قرآنی روایی یا سبک عرفانی در پاسخ‌گویی را به کار ببرد، در کنار آن می‌تواند از سبک تلفیقی (تلفیق آنها) بهره ببرد، ولی اینکه بگوییم اخلاق چهار شعبه دارد و یک شعبه‌اش اخلاق تلفیقی است، چنین چیزی وجود ندارد؛ چراکه تلفیقی یعنی تلفیق از همان قرآن روایی و عرفانی و فلسفی؛ بنابراین به لحاظ روشی قسیم آنهاست، اما به لحاظ محتوایی قسیم نیست (ر.ک: شجاعی، ۱۳۹۹).

اخلاق تلفیقی، کاربردی است؛ زیرا پرسش‌گر گاهی سؤالی می‌پرسد که ناگزیر پاسخ‌گوی اخلاق باید به همه این حوزه‌ها یک احاطه اجمالی داشته باشد. گاهی به پرسش‌گر نمی‌توان از زاویه اخلاق فلسفی پاسخ داد؛ چون پرسش‌گر، دانش فلسفی ندارد و دریافتش در حیطه ادراکات و مباحث معقول، ضعیف است. در این صورت اگر پاسخ‌گوی اخلاق در بحث اخلاق عرفانی یا اخلاق قرآنی، اخلاق روایی پاسخ دهد، پرسش‌گر به واسطه تعبدی که نسبت به دین دارد، پاسخ را می‌پذیرد.

۴-۶. اخلاق عرفانی

اخلاق عرفانی، رویکردی اخلاقی است که با منش سلوکی - عرفانی شکل و شاکله یافته و در

طول قرون متمادی به وسیله عارفان تحقق و ترویج یافته است. اخلاق عرفانی بر سیروسلوک و کشف و شهود مبتنی است که اخلاق پیش از وصول، حین وصول و پس از وصول را با مراتب وجودی از تخلیه تا فنای شهودی در بر می گیرد (رودگر، ۱۳۹۷، ص ۱۷۷).

مؤلفه های اخلاق عرفانی عبارت اند از ابتنای بر وحی، توجه به مبدأ و معاد، جامعیت، شریعت محوری، تغییر ظاهری ناشی از تحول باطنی و بهره گیری از تربیت تدریجی. هدف از اخلاق عرفانی، تخلّق به اخلاق الهی یعنی تسمّی به اسماء الهی و اتصاف به صفات الهی است. در این باره انسان ها خدا را به مثابه وجودی عظیم، عزیز، کبیر، قهار، سلطان، غیور و محیط در می یابند. اگر بر شباهت میان خدا و مخلوقاتش تأکید شود، خدا همچون موجودی مشبّه و قریب تلقی می شود و در لباس صفاتی همچون مهربانی، رحمت، زیبایی، عشق، بخشش، گذشت، غفران و نفع، ظهور می یابد (وکیلی، ۱۳۹۹، ص ۳۹).

۱۸۷

گفتنی است در جامعه، فاصله میان پرسش ها در این حوزه و دانش اخلاق عرفانی، بسیار است. البته کتاب های متعددی تألیف شده و همیشه حوزه اخلاق عرفانی به شکل نظری محل تدریس و بحث بوده است؛ مانند عرصه کتاب های سیروسلوک.

در حوزه نظری پرسش های چندانی هنوز در این باره رایج نیست، مگر اینکه کسانی احیاناً مطالعاتی کرده یا در جلساتی شرکت کرده باشند که برای ایشان یک سری پرسش های نظری پیش آمده باشد. البته در حوزه سیروسلوک یعنی در حوزه عملی بحث اخلاق عرفانی، هم پرسش بسیار می شود و هم این پرسش ها با چالش های متعددی مواجهه اند؛ به جهت اینکه این حوزه درگیر جریان تصوف نیز شده است؛ پرسش هایی مانند اینکه تفاوت عرفان اسلامی و تصوف چیست؟ این متصوفه مسلمان اند یا نیستند؟ به جلسات اینها برویم؟ مطالبی که مطرح می کنند چه اندازه دقیق است؟

گاهی پرسش گر در مقامی است که درخواست معرفی استاد اخلاق می کند یا اینکه می پرسد می خواهیم سیروسلوک را آغاز کنیم، راهنمایی کنید. در چنین مواردی در پاسخ باید بسیار دقت کرد؛ زیرا کتاب هایی درباره این افراد تألیف شده که بعضاً دچار بی دقتی است، ولی در دسترس عموم مردم قرار گرفته و این امر سبب شده است پرسش های بسیاری برای مردم در حوزه سیروسلوک شکل گیرد (ر.ک: شجاعی، ۱۳۹۹).

۶-۵. اخلاق توحیدی

اخلاق توحیدی با شاخصه و حیانی و توحیدی بودن، آن اندازه مهم است که توانسته است



اخلاق اسلامی را از دیگر مکاتب اخلاقی متمایز سازد. به‌رغم اینکه امروزه در جوامع بشری، سه یا - به‌تعبیری - چهار مسلک اخلاقی وجود دارد که دارای قدمتی کهن‌اند (۱). مسلک اخلاقی یونان؛ ۲. مکتب اخلاقی عام؛ ۳. مسلک نسبی‌گرایی؛ ۴. مکتب اخلاقی خاص، این مکاتب اخلاقی می‌کوشند رفتار فردی و اجتماعی پیروان خویش را تعدیل کنند و افراد تربیت‌شده و سالمی از حیث اخلاقی تحویل جامعه دهند (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵).

اخلاق توحیدی به‌دنبال اصلاح درون است، درحالی‌که اخلاق غیرتوحیدی به‌دنبال اصلاح رفتار است. اخلاق توحیدی شامل آگاهی، افعال قلبی (جوانحی) و افعال جوارحی یا بیرونی می‌شود. ازجمله موارد افعال جوانحی، اخلاص و تذکر است. افعال جوارحی نیز شامل افعال تعبدی، توصلی و افعال تأثیرگذار مستقیم بر نفس می‌شود (دانش‌نهاد، ۱۳۹۹، ص ۵۵).

مبنا در اخلاق توحیدی، رابطه انسان با نظام وجود و به‌ویژه با خداوند است. اساسی‌ترین مفهوم در این اخلاق، توحید اطلاق می‌باشد؛ بدین معناکه وجود خداوند از چنان اطلاق بر خوردار است که جایی برای غیر باقی نمی‌گذارد؛ بنابراین زمینه‌ای برای شکل‌گیری ردایل اخلاقی وجود ندارد و شخص موحد با رسیدن به این درجه از معرفت توحیدی، به همه فضایل اخلاقی آراسته می‌شود؛ بی‌آنکه میان حدوث فضایل، تقدم و تأخری وجود داشته باشد (جمشیدی‌مهر و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱۷۵). در گستره اخلاق توحیدی، زدودن زنگارهای گناه و تعلقات غیرالهی از دل، در کنار توتلی و پذیرش فرامین الهی یک اصل است. در این میان نگاه نظری به توحید و لوازم آن سبب می‌شود سالک، مراتب معرفت به توحید را از طریق «معرفت‌النفس» طی کند.

۶-۶. اخلاق هنجاری

اخلاق هنجاری به‌طور کلی به‌دنبال تبیین نظامی از قواعد و اصول حاکم بر افعال اخلاقی است؛ نوعی تأمل فلسفی درباره اصول اخلاقی و ارائه دلیل برای اعتقادات و ارزش‌ها. هدف اخلاق هنجاری، دفاع از داورهای عام ارزشی و عرضه نظریه‌ای جامع برای تبیین آنها و وظیفه آن دست‌یابی به معیارهای اخلاقی است که درست و غلط را معین کند. با توجه به امور جاری زندگی می‌توان دریافت مردم در طول زندگی خویش به داور اخلاقی می‌پردازند و به درستی و نادرستی بایستگی و نبایستگی اخلاقی اموری حکم می‌کنند. چگونه است که رفتاری را خوب و رفتاری را بد می‌دانیم و ملاک؟ معیار ما در این‌باره چیست؟ اخلاق هنجاری به‌دنبال شناسایی و تبیین معیارهای خوبی و بدی در احکام اخلاقی است. نظریه‌های اخلاق هنجاری صرفاً به سنت‌های اخلاقی غربی می‌پردازند و سنت‌های غیرغربی را پوشش نمی‌دهند (خندان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵).

تجربه پاسخ‌گویی دینی سبب شده است زمینه استفاده از اخلاق هنجاری در پاسخ‌گویی بیشتر احساس شود؛ مثلاً در برخی مباحث ممکن بود ازلحاظ اخلاقی، پاسخ‌گوی اخلاق، خودش نظریاتی داشته باشد. به فرض در مورد راهکارهای درمان معضلات اخلاقی، نظریه پاسخ‌گوی اخلاق، نظر خاصی بود، اما به مرور وقتی راهکارهای گوناگون را ارائه داده و بازخورد گرفته است، متوجه می‌شود برای افزایش کارایی باید یک‌سری دستورات دیگر را اضافه یا کم کند یا جوانبی را بیشتر در نظر داشته باشد.

در اخلاق هنجاری اگر نظریه‌ای را بپذیرند، بر اساس آن نظریه باید مفاهیم اخلاقی مدنظر را تعریف کنند که این امر به دو شکل عمده روی می‌دهد: ۱. وظیفه‌گرایی؛ ۲. غایت‌انگاری. در یکی از این دو شکل، پرسش اصلی این است که وظیفه چیست؟ ولی در دومی فقط به نتیجه آن کار فکر می‌کنند.

۶-۷. اخلاق کاربردی

اخلاق کاربردی شاخه‌ای از اخلاق هنجاری است که به واسطه تمرکز بر جزئیات، از دو شاخه فرااخلاق و نظریه‌های هنجاری متمایز می‌گردد. درباره ماهیت، محتوا و شیوه‌های استدلال آن اتفاق نظر وجود ندارد. ارزیابی عملکردها، حل مشکلات یا شناسایی هنجارها و کدهای اخلاقی، به کمک محتوای درونی یا برونی و با استفاده از شیوه‌های بالا - پایین یا برعکس، از جمله مسائل نزاع‌برانگیز در این شاخه علمی است (خزاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۵).

اگرچه در غرب، منابع متعددی با عنوان «اخلاق کاربردی» تدوین شده است، ولی به نظر می‌رسد هنوز تعریف دقیقی از این شاخه علمی ارائه نشده است؛ از این رو بسیاری از خوانندگان آن را با موضوعاتی همچون اخلاق عملی، اخلاق حرفه‌ای، اخلاق موضوعی و... خلط می‌کنند.

در اخلاق کاربردی، مبانی ارزش دآوری در فرااخلاق و معیارهای ارزش دآوری در اخلاق هنجاری مورد بحث قرار می‌گیرند (شریفی، ۱۳۹۰، ص ۸۳).

در حوزه اخلاق کاربردی، پرسش‌گر به دنبال نسخه‌ای برای عمل است؛ برای مثال گاهی سؤال فرد شاغلی در بیمارستان این است که در حوزه اخلاق پزشکی چه رفتاری باید پیش بگیرد؟ در این حالت، پاسخ‌گو باید بتواند نسخه‌ای را برای این پرسش آماده نماید.

۷. خاستگاه پرسش‌های اخلاقی

بعضی از صاحب‌نظران بستر و زمینه شکل‌گیری یک پرسش اخلاقی را در یک شاخصه منحصر می‌کنند؛ مثلاً آن را ناشی از تهاجم فرهنگی می‌دانند. اگر چنین پنداشته شود که

پرسش‌های مردم صرفاً ناشی از تهاجم فرهنگی و منحصر در آن است، این امر ساده‌کردن صورت مسئله است؛ زیرا واقعیت این است که موضوع اصلی، تربیت و خانواده بوده که باید دید در گذشته و اکنون چه اندازه سرمایه‌گذاری تربیتی شده است؟

دومین مسئله، توجه به موضوعی به نام جامعه است؛ زیرا رفتارهای اجتماعی و آموزش‌هایی که در جامعه، مدرسه و دانشگاه صورت می‌گیرد، با چالش‌های مهمی روبه‌رو می‌باشد. سومین موضوع، مسئله حاکمیت است؛ زیرا با گذشت چند دهه از عمر جمهوری اسلامی، مسئولان گاهی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که طبیعتاً آثار اجتماعی و نتایجی را به‌همراه خواهد داشت که خوشایند نیست.

بر اساس یافته‌های جامعه‌آماری، بخشی از پرسش‌های اخلاقی به مشکلی برمی‌گردد که پرسش‌گر در زندگی برایش ایجاد شده و برای حل آن به‌دنبال راهکار است. دومین خاستگاه که البته درصد پایین‌تری نسبت به خاستگاه نخست دارد، پرسش‌هایی است که در فضای مجازی برای پرسش‌گر ایجاد می‌شود. البته در بحث اخلاق، بیشتر مشکلات شخص، مشکلات پیرامونی زندگی است. سپس رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی پرسش‌های اخلاقی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند و درصد پایین‌تری که در رتبه سوم قرار می‌گیرند، به مطالعات مخاطب بازمی‌گردد؛ مثلاً مخاطب، کتابی را مطالعه می‌کند و از این مطالعه، پرسش‌هایی برایش ایجاد می‌شود (ر.ک: ملکی، ۱۳۹۹).

پرسش‌ها و شبهات اخلاقی گاهی درباره مسائل جزئی و فروع اخلاقی مطرح می‌شود که بیشتر به تعارضات و تراحمات، زیست اخلاقی و مسائل مستحدثه اخلاقی می‌پردازد، ولی گاهی به مفاهیم اخلاقی، معانی گزاره‌های اخلاقی، ارزش‌های اخلاقی و الزامات اخلاقی اشاره دارد. طبعاً هر امری که به این امور مرتبط باشد، می‌تواند خاستگاه یک پرسش تلقی شود، حتی اگر یک نماینگ باشد؛ همان‌گونه که بخش عمده‌ای از افراد در جامعه امروزه ما درگیر فضای مجازی‌اند! بنابراین در اغلب اوقات نبود سواد رسانه لازم در فضای مجازی، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد و بروز شبهه در ذهن افراد باشد؛ برای مثال امروزه نماینگ‌های طنز غالباً نوعی تمسخر در آن دیده می‌شود و طبیعتاً آسیبی را به‌طور جدی به فضای اخلاقی جامعه وارد می‌کند؛ یعنی تمسخر دیگران به‌گونه‌ای در جامعه در قالب طنز رواج می‌یابد و نوعی بی‌مبالاتی به ارزش‌های دینی به‌دنبال خواهد داشت؛ چراکه مرز میان شوخی و تمسخر با یکدیگر آمیخته شده است و در نتیجه یک نقطه ضعف اخلاقی در جامعه شکل می‌گیرد و پرسش‌گر در تعارض قرار می‌گیرد (ر.ک: شجاعی، ۱۳۹۹).

۸. مهارت‌های بایسته در پاسخ‌گویی

پس از شرح ویژگی‌های دانش اخلاق در پاسخ‌گویی، اکنون به مهارت‌های لازم برای پاسخ‌گویی اشاره خواهد شد.

۸-۱. مهارت درک مسئله

درک مسائل اخلاقی، نکته کلیدی در مباحث اخلاقی است و این درک در ارتباط شخص با مسائل اخلاقی نهفته است. اگر سال‌ها کسی از عرفان سخن بگوید، ولی این مباحث را نچشد، بحث را درک نکرده است؛ چنان‌که اگر کسی حلوا نخورده باشد و صرفاً بگوید حلوا شیرین است، درحقیقت حلوا را نچشیده است. در اخلاق عرفانی نیز اگر کسی مطالبی را مطرح می‌کند، باید این مسئله را در زندگی خویش لمس کند؛ یعنی راهکاری را باید نشان دهد که اگر این راهکار را عملی کرد، زندگی‌اش تغییر کند. در این صورت پرسش‌گر اخلاق عرفانی را می‌پسندد؛ چراکه ممکن است مسیر زندگی را تغییر دهد. این امر درحالی است که گاهی یک نفر، انبوهی از اصطلاحات و مفاهیم عرفانی را آموخته است، ولی یک معاشرت ساده را نمی‌تواند مدیریت کند یا احیاناً آدم بد اخلاق و کم‌صبری است. در اینجا نتیجه منفی شده و نگاه پرسش‌گر به عرفان سلب می‌شود.

در چنین مواردی باید «پرسش‌گر محور» عمل کرد؛ یعنی مطابق با شخصیت و میزان درک مخاطب به او پاسخ گفت. باید دقت کرد بخشی از پرسش‌ها عمومی‌اند و مخاطبان بسیاری دارند، اما بخشی دیگر بسیار خاص و مربوط به حوزه تخصصی و خود آن فرد است. نکته دیگر اینکه در مباحث اخلاقی نیز آنچه اتفاق می‌افتد، با روحیات و خُلقیات افراد بسیار ارتباط دارد و نمی‌توان این مسئله را نادیده گرفت؛ زیرا مزاج افراد در مسائل اخلاقی با یکدیگر تفاوت دارد؛ به‌همین دلیل باید بر اساس شناخت فرد به درک مسئله‌ای که برایش پیش آمده است، پرداخت. آنچه مشخص است، پرسش‌گران یکدست نیستند؛ برخی خوش‌خنده، برخی جدی، برخی انزواطلب و... هر یک اخلاق خاص خود را دارند؛ از این رو لازم است کارشناس اخلاق، مسئله اخلاقی پیش‌آمده را در تناسب با شخصیت پرسش‌گر، درک نموده و سپس پاسخ را ارائه کند.

۸-۲. مهارت مواجهه با پرسش

هرگاه پرسش‌گر بحثی اخلاقی را مورد سؤال قرار دهد، مواجهه با این پرسش‌گر، دو گونه می‌تواند باشد:

۱. اگر پرسش‌گر از یکی از مسائل اخلاقی اعم از فضایل یا رذایل اخلاقی پرسش نماید، در

گام نخست از خلال صحبت‌ها و پرسش او، کلمات کلیدی موجود در کلامش استخراج می‌شود و به بازتعریف آن برای پرسش‌گر می‌پردازند؛ برای نمونه اگر سؤال پرسش‌گر از باور و ایمان به خدا یا معرفت نسبت به خدا باشد، پاسخ‌گو این کلمات را برای او توضیح می‌دهد. در واقع مضامینی به کار گرفته شده است که در سؤال پرسش‌گر وجود داشته و به آنها پاسخ داده شده است. در پایان پاسخ‌گو با طرح پرسشی از پرسش‌گر از او می‌پرسد که آیا مشکل ایشان حل شده است یا خیر؟ اگر مسئله حل نشده باشد، باید به اینکه چرا مسئله در ذهن پرسش‌گر حل نشده است، بپردازد.

دوم، نوع دوم مواجهه با پرسش‌گر بدین شکل است که به محض اینکه چنین پرسشی پرسیده شود، نخست از او دلایل مشکل را بپرسند؛ مثلاً چرا شما فکر می‌کنید چنین اتفاقی برای شما افتاده است؟ از چه زمانی این اتفاق برای شما رخ داده است؟ آیا با اطرافیان روابط خوبی دارید؟ چون ممکن است فرد دچار افسردگی باشد و اساساً پرسش او ناشی از مسائلی باشد که لازم است او به حوزه مشاور روان‌شناسی ارجاع داده شود.

براین اساس وقتی سؤالاتی از او پرسیده می‌شود، مشخص می‌گردد این پرسش‌گر ناامید که اکنون با خدا مشکلی پیدا کرده و می‌پندارد خداوند دعایش را مستجاب نمی‌کند، رابطه خوبی با اطرافیان خویش ندارد و حتی این رفتار به حوزه عباداتش نیز کشیده شده است؛ مثلاً نماز هم نمی‌خواند. پس از بررسی شخصیت او روشن می‌شود که ایشان شخص مجردی است که در خانه، با پدر و مادر مشکلات اساسی دارد. پدر و مادر با یکدیگر اختلاف دارند و فضای خانه، متشنج است و والدین در آستانه طلاق‌اند. در چنین حالتی پرسش‌گر یک‌سره دعا می‌کند که خدا این مشکل را حل کند و چون این مشکل به حسب ظاهری حل نشده است، نتیجه می‌گیرد دعایش ثمر زیادی نداشته است! پس چرا من باید به خدا باور داشته باشم؟ چرا دعا کنم؟!

اکنون با این دریافت‌ها از شخصیت وی، اشراف کامل‌تری نسبت به آن فرد پیش آمده است که در کیفیت پاسخ‌های بعدی تأثیرگذار می‌باشد.

گاهی پاسخ‌گو می‌خواهد بر اساس پرسش‌هایی که پرسش‌گران می‌پرسند، پاسخ دهد. در اینجا با دو مؤلفه می‌توان آنها را از یکدیگر تفکیک کرد:

۱. گستردگی (بسامد و فراوانی) پرسش؛ یعنی میزان پرسشی که در یک موضوع مطرح شده است. این امر نشان‌دهنده آن است که موضوع مذکور در جامعه مهم بوده یا موضوعی است که جامعه در آن موضوع با چالش بسیاری روبه‌رو می‌باشد.

۲. اهمیت پرسش به لحاظ علمی؛ چون ممکن است یک پرسش زیاد پرسیده شود، ولی موضوعش به لحاظ علمی برای پاسخ‌گو چندان حل نشده باشد (ر.ک: همان).

۸.۳. مهارت شناخت مناسبات جامعه چندفرهنگی

بحث چندفرهنگی بودن کشور از نظر تنوع جغرافیایی و تنوع فرهنگی یکی از مسائل مهم است. اگر پرسش‌گری اهل کرمان، آذربایجان، خوزستان یا کردستان باشد، تفاوت فرهنگی در مورد پرسش، به خصوص در حوزه اخلاق دیده می‌شود؛ مانند مسائل خانواده، ازدواج، عادت‌های قومی و...؛ از این رو شایسته است پاسخ‌گوی پرسش‌ها و شبهات اخلاقی، به مقوله فرهنگ‌شناسی قومی پرسش‌گران توجه نماید؛ زیرا در دو قالب نظری و علمی، شماری از این موارد به بحث‌های جامعه‌شناسی مربوط است که نیاز می‌شود از کارشناسانی که در این باره پژوهش کرده‌اند، بهره گرفته شود و این امر یکی از نقاط شایسته دقت در پاسخ‌گویی است؛ زیرا پرسش‌گر در نوع پرسش، به‌ویژه در مسائل اخلاقی، تحت تأثیر فضای فکری و فرهنگی زیست‌بوم خویش است.

آداب و رسوم در ازدواج، عزاداری، مناسبات و رفت‌وآمدها گاهی بسیار متفاوت است و اگر پاسخ‌گو صرفاً بر اساس گزاره‌های اخلاقی بدون در نظر گرفتن اینکه آن را در چه فضایی می‌خواهد قرار بدهد، پاسخ بدهد، ممکن است آسیب‌زا باشد؛ مثلاً ممکن است یک پرسش‌گر خانم تهرانی که هم خودش و هم شوهرش اصالتاً تهرانی‌اند، این پرسش را مطرح کند که شوهرم با من تند برخورد می‌کند، چه باید کنم؟ در اینجا پاسخ‌گو با سؤالات اکتشافی باید متوجه شود که مسئله چه بوده و آن را حل کند. همین پرسش را ممکن است خانمی بی‌رسد که خودش و شوهرش عرب خوزستانی‌اند. در اینجا اگر ذهنیت پاسخ‌گو منعطف به ذهنیت تهرانی باشد، ممکن است چنان‌که باید متوجه مشکلات واقعی این شخص نشود؛ چراکه رابطه فرهنگی را نتوانسته است به خوبی دریابد.

۸.۴. مهارت بیان سیره اهل بیت علیهم‌السلام و منش علما

کاربست سیره اهل بیت علیهم‌السلام در پاسخ‌گویی به پرسش‌های اخلاقی، امر مهمی است، ولی اینکه چگونه و از کجای سیره استفاده شود، این امر در گرو کتاب‌ها و مقالات گوناگونی است که در این باره نوشته شده است. گاهی نوع مواجهه با پرسش‌گر و خسته‌نشدن، صبور بودن پاسخ‌گو و مسائلی از این دست که در اخلاق اهل بیت علیهم‌السلام بوده است، می‌تواند مورد استفاده باشد، اما گاهی می‌توان از سیره اهل بیت علیهم‌السلام در خود پاسخ‌ها استفاده کرد؛ مثلاً اینکه میزان شرعی عصبانی شدن در موضوعات اخلاقی دقیقاً چه اندازه است.

همچنین از یافته‌های جدید علوم گوناگون همچون علم روان‌شناسی، علم جامعه‌شناسی و روش‌های به‌کاررفته در این علوم نیز لازم است در پاسخ‌گویی استفاده شود (ر.ک: ملکی، ۱۳۹۹).

به‌رغم آنکه در سده معاصر، سیره و روش علما در مباحث اخلاقی مطرح شده است - مانند سیره مرحوم ملاحسین قلی همدانی یا سیره مرحوم سیداحمد کربلایی - ولی در پاسخ‌گویی مستقیم از این روش‌ها نمی‌توان استفاده کرد، بلکه این روش‌ها را می‌توان مطالعه کرد و نسبت به این روش‌ها آگاهی داشت و در پاسخ‌گویی با توجه به فضای پرسش و پاسخ، راهکار متناسب با آن ارائه داد، اما منش ایشان را به‌صورت مستقیم نمی‌توان به مردم تجویز کرد؛ چراکه این روش‌ها اختصاصی آن بزرگواران بوده و ممکن است برای دیگران کارآمد نباشد (ر.ک: همان).

۸.۵. مهارت ارتباط با مخاطب

مهارت اساساً از جنس دانستن نیست، بلکه از جنس توانستن است؛ بنابراین مانند یک فن و حاصل اندوخته‌هایی است که شخص می‌خواهد آن را اجرایی کند؛ مثلاً شخصی به دانشگاه می‌رود و درمورد مکانیک خودرو، دانشی را فرامی‌گیرد. اگر این دانش را بخواهد در یک خودرو اجرا کند، نیاز به مهارتی دارد که جنس فراگرفتن آن عملی است، نه نظری. با همین تصویر ذهنی، پاسخ‌گوی اخلاق با در نظر گرفتن شرایط پرسش‌گر، او را راهنمایی می‌کند؛ برای نمونه اگر در خلال گفت‌وگو با پرسش‌گر، بحث به این سمت برود که ظلمی به پرسش‌گر شده است، در اینجا گاهی انسان تحت تأثیر آن فضا قرار می‌گیرد و از قالب یک پاسخ‌گو خارج شده، به یک منجی تبدیل می‌شود. در این صورت آن پاسخ‌گو اخلاق نمی‌تواند پاسخی مناسب باشد؛ زیرا احیاناً خود پاسخ‌گوی اخلاق نیز ممکن است حالش منقلب شود و به جای اینکه مسلط باشد و پرسش‌گر را درک و کنترل کند، چه بسا شرایط از دست خارج می‌شود و متأثر از عواطف و احساسات، شروع به گریه کند یا صدایش بغض‌آلود شود. در چنین شرایطی دقت‌های لازم مهارتی در فهم مسئله رعایت نشده است. گاهی این امر نتیجه بسیار ناخوشایندی نیز به همراه خواهد داشت؛ مثلاً وقتی پرسش‌گر مرد با صدای گریه‌آلود بگوید زن من فلان کار را کرده و مرا بسیار آزرده است و پاسخ‌گوی اخلاق تحت تأثیر قرار گیرد، وی به جای آنکه دقت کند که با پرسش‌های اکتشافی به اصل ماجرا پی ببرد، ممکن است راهکاری به پرسش‌گر ارائه دهد که اصلاً مناسب نباشد. در چنین حالتی در واقع پاسخ‌گو در تله این پرسش‌گر افتاده است؛ زیرا ممکن است پرسش‌گر فرد ماهری باشد که بخواهد از پاسخ‌گوی اخلاق، پاسخی بگیرد و این پاسخ را به‌عنوان اهرمی علیه همسرش استفاده کند. در اینجا تحلیل پرسش و استماع دقیق پرسش، به پرسش‌گر کمک می‌کند دچار چنین چالشی نشود. البته از پاسخ‌گوی اخلاق، رعایت کنترل‌شدگی اخلاقی در بُعد فردی و شخصی در پاسخ‌گویی انتظار می‌رود که این امر با انتظار صدایی ملیح و آرام که بتواند یک محتوای خوب دینی را ارائه کند،

ازسوی پرسش‌گر مد نظر است.

یکی دیگر از نکات، توجه پاسخ‌گوی اخلاق به ویژگی‌های شخصی خودش می‌باشد؛ برای مثال اگر پاسخ‌گوی اخلاقی بر روی موضوع ناموس، حساسیت خاصی دارد و پرسش‌گر چیزی پرسد که نوعی خیانت پرسش‌گر نسبت به ناموس دیگری در آن باشد، اگر پاسخ‌گوی اخلاق نتواند حساسیت شخصی‌اش را کنترل کند، ممکن است متأثر از نگاه شخصی، برافروخته شود و نتواند کنترل‌شده پاسخ‌گویی کند. در اینجا چه‌بسا پرسش‌گر احساس کند من تماس گرفتم برای اینکه مشکلم را حل کنم، این پاسخ‌گوی اخلاق اکنون من را محکوم و نکوهش کرده است! یعنی به جای اینکه مشکل را حل کند، جلسه گفت‌وگو به جلسه محاکمه تبدیل شود که چرا تو این کار را کردی؟ ... می‌دانی این کار چه مضراتی دارد!؟

در هر حال در نوع مواجهه با پرسش‌گر باید لحن پاسخ‌گو محترمانه باشد؛ هم در لحن صحبت و هم در خطاب قراردادادن پرسش‌گر؛ زیرا گاهی در اثر کثرت پاسخ‌گویی، پاسخ‌گو عادت می‌کند و مخاطب را با لفظ «تو» خطاب می‌کند، در حالی که شایسته است با لفظ محترمانه «شما» او را خطاب قرار دهد؛ زیرا احترام به پرسش‌گر سبب می‌شود احساس پذیرش بیشتری نسبت به محتوای سخن پاسخ‌گوی اخلاق در خود پیروانند.

۱۹۵



۸.۶. مهارت اقناع مخاطب

گاهی شخصی دارای دانش گسترده اخلاقی است؛ یعنی مباحث اخلاق اسلامی و اخلاق غربی را دیده یا مقالات گوناگون را مطالعه کرده است و حوزه دانشی مناسبی دارد، ولی نکته اصلی اینکه کسی که حوزه دانشی مناسبی دارد، اگر بخواهد پاسخ‌گویی کند، لزوماً پاسخ‌گوی خوبی نیست؛ زیرا او می‌خواهد در پاسخ‌گویی، مطالب علمی را به شکل آکادمیک کنار یکدیگر بچیند و بسته‌ای محتوایی به پرسش‌گر تحویل دهد، ولی درست این است که پاسخ‌گوی اخلاق نخست باید مشکل پرسش‌گر را کاملاً درک کند، سپس راهکار پیشنهاد دهد؛ برای نمونه اگر پرسش‌گری بگوید «من نسبت به دعاکردن بسیار مأیوس شده‌ام» یا «اصلاً امید و باور خود را نسبت به پروردگار از دست داده‌ام»، مواجهه با این پرسش‌گر این‌گونه است که باور و ایمان به خدا توضیح داده می‌شود، سپس مفاهیمی مانند امید و صبر و اینکه چرا آدم باید امیدوار باشد، به پرسش‌گر ارائه می‌شود، در حالی که مشکل پرسش‌گر هنوز حل نشده است.

نقطه قوت یک پاسخ‌گویی پویا این است که از پرسش‌گر دلایل چنین مشکلی را می‌پرسد؛ مثلاً اینکه چرا شما فکر می‌کنید چنین اتفاقی برای شما افتاده است؟ از چه زمانی این اتفاق برای

شما رخ داده است؟ سپس با طرح چند پرسش، به ماهیت اصلی مشکل او می‌پردازد. در این صورت فرضاً اگر مشخص شد وی دچار افسردگی است، باید او را به حوزه روان‌شناسی ارجاع داد. از دیگر مواردی که لازم است بدان توجه شود، اقتضای سن پرسش‌گر است؛ برای نمونه وقتی نوجوانی در مورد نوع تعاملش با پدر و مادر می‌پرسد، اگر پاسخ‌گو از پشتوانه علمی مناسبی برخوردار باشد و با استناد به آیات و روایت پاسخ دهد، ولی به اقتضانات سنی نوجوان توجه نداشته باشد، پاسخ مفیدی ارائه نخواهد داد. اگر همین پرسش یا پرسشی پُرسامد (پُرتکرار) را یک بانوی میانسال یا مسن بپرسد، پاسخ آن اقتضاناتی دارد که باید شرایط روحی و روانی و اقتضانات فرهنگی آن فرد را در نظر گرفت (ر.ک: پورمدنی، ۱۳۹۹).

۸-۷. مهارت شناخت پرسش‌های فصلی و مناسبتی

پرسش‌های فصلی و مناسبتی همان پرسش‌هایی است که در یک شرایط خاص و به تناسب فصول سال شکل می‌گیرند؛ مثلاً نزدیک به ایام ماه مبارک رمضان معمولاً مباحثی همچون توبه و حق الناس پُررنگ می‌شوند؛ چراکه مردم می‌خواهند با پاکی وارد ماه رمضان شوند یا در زمان‌هایی همچون فرارسیدن ایام اربعین حسینی، اختلافات رضایت و عدم رضایت شوهر برای شرکت در مراسم و... مطرح می‌شود. اگرچه سنخ این موارد از سنخ ارتباطات خانوادگی است، ولی در این قالب مطرح می‌شود، یا در ماجرای بیماری کرونا، مباحث اخلاقی مربوط به دایره رفتار فردی و خانوادگی پرسیده می‌شد که اگرچه در مورد مباحث خانوادگی یا رفت و آمد بود، ولی کرونا باعث آن بود؛ مثلاً سؤال پرسش‌گر این بود که می‌ترسم به خانه پدر و مادرم بروم! از یک سو پدر و مادرم می‌گویند بیا، چون دوستم دارند و از آن سو لازم است به آنها سر بزنم و وظیفه اخلاقی و دینی‌ام نیز همین است. در عین حال چون سر کار می‌روم، می‌ترسم ناقل بیماری باشم و به آنها منتقل کنم و ضمن اینکه دستورالعمل‌های پزشکی می‌گوید: نرو!

این‌گونه مناسبت‌ها یا مسائلی که مربوط به شرایط خاصی است، موضوع محوری در مسائل اخلاقی است و چه بسا بعدها هیچ‌گاه چنین موضوعی پیش نیاید.

۸-۸. مهارت پاسخ‌گویی در نهادینه‌سازی اخلاق

میان نهادینه‌سازی اخلاق و ابعاد آن (نهادینه‌سازی صریح اخلاق و نهادینه‌سازی ضمنی اخلاق) با پاسخ‌گویی دینی مهارتی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نهادینه‌سازی اخلاق و توجه به شاخص‌های اخلاقی باعث می‌شود مبلغان دینی در پاسخ به پرسش‌های دینی حس

مسئولیت‌پذیری بیشتری داشته باشند تا پاسخ کارآمدتری ارائه دهند؛ چه آنکه اخلاق حرفه‌ای با مسئولیت اجتماعی، پاسخ‌گویی و فرهنگ خدمتگزاری، دارای رابطه‌ای مثبت و معنادار است. رابطه میان اخلاق و پاسخ‌گویی دینی از طریق فرهنگ خدمتگزاری تولید می‌شود. نقش پاسخ‌گویان به‌عنوان میانجی‌گران فرهنگ خدمتگزاری میان حوزه علمیه قم و جامعه پرسش‌گران (مردم) به‌طور مستقیم مایه افزایش سطح تولید اخلاق فردی از طریق الگوبرداری اخلاقی پرسش‌گر از پاسخ‌گویان اخلاق نیز می‌گردد و همین امر زمینه تقویت و بهبود پاسخ‌گویی را فراهم می‌آورد؛ یعنی در واقع نوع ارتباط اخلاقی حوزویان با مردم، مایه تغییر رفتار مردم به سمت وسوی رفتار نیکی است که از حوزویان برداشت شده است.

گاهی تصویری که از پاسخ‌گویی مطرح می‌شود این است که پاسخ‌گویی یک عملیات انفعالی محسوب می‌شود، درحالی‌که حتی در پرسش مردم و در جامعه مخاطبان نیز می‌توان تأثیرگذار بود؛ چنان‌که اگر برای این قشر فرهیخته پاسخ‌های مناسبی ارائه شود، ناخودآگاه این قشر دایره مخاطبان خود را گسترش می‌دهد و با اطلاع‌رسانی به مخاطبان دیگر، ممکن است این قشر درصد مراجعه به مرکز ما را بالا ببرد و اگر این فرایند مراعات نشود، ممکن است رفتاری برعکس رخ دهد (ر.ک: ملکی، ۱۳۹۹).

۸-۹. مهارت شناخت تحولات

بسیاری از پرسش‌ها در حوزه اخلاق و تربیت از مسائل مستحدثه شکل می‌گیرد؛ موضوعاتی که فرد در زندگی روزمره با آنها سروکار دارد. در گذشته اگر پرسش یا شبهه‌ای به‌وجود می‌آمد، برای انتشار آن در جامعه لازم بود بین فردی گفت‌وگو شود؛ آن افراد برای افراد دیگر منتقل کنند یا در واقع سینه به سینه و به‌صورت گفت‌وگویی ادامه یابد، ولی بسیاری از فضاهایی که امروزه شکل گرفته است، خصوصاً فضای مجازی می‌تواند در کسری از ثانیه، دنیایی را با یک پرسش جدید یا یک شبهه جدید روبه‌رو نماید. نکته مهم اینکه ریشه و اصل بسیاری از پرسش‌ها یک چیز است و در گذر زمان و با بهره‌گیری از بستر متفاوت، گاهی در قالب جدیدی بروز یافته‌اند یا با انضمام به پرسش‌های دیگر بازپروری شده‌اند. گاهی یک رخداد مانند کرونا، به‌مرور شرایطی را رقم می‌زند که پرسش‌ها و شبهات اخلاقی را به‌دنبال می‌آورد؛ برای مثال در ابتدای ماجرای کرونا تصور می‌شد این بیماری واگیردار بتواند زمینه‌ساز پرسش‌ها و شبهات اخلاقی در اجتماع باشد. برخلاف آنچه انتظار می‌رفت، در همان پانزده روز نخست، فرایند ورودی پرسش‌های کرونایی نشان داد این بیماری حجم بسیاری از پرسش‌ها و شبهات را برای مخاطبان ایجاد کرده است. البته بسیاری از آن

پرسش‌ها و شبهات قدیمی بوده و رنگ و بوی اعتقادی داشتند و فقط برخی از پرسش‌ها جدید بودند. از جمله پرسش‌هایی که در موضوع کرونا بسیار پرسیده شد، در مورد توسل یا دعا و آثار آن بود؛ برای مثال این همه توسل پیدا کردیم، چرا کرونا از میان نمی‌رود؟ اصل پرسش در مورد «توسل» و «اعتبار و عدم اعتبار» یا «تأثیر و عدم تأثیر» توسل، از پرسش‌های متداول اخلاقی بود، ولی در اینجا با رویکرد کرونا پرسیده می‌شد.

در دو هفته نخست قرنطینه خانگی، اضطراب و سرگردانی بیماری کرونا، نوعی ریختگی روحی و روانی حتی در بُعد اخلاقی افراد ایجاد کرد؛ حتی پدر و مادر، آستانه تحمل بالا در برخورد با فرزندان را نداشتند؛ چراکه همگی در خانه حبس بودند و باتوجه به ازمیان رفتن حوصله افراد، هر سه رکن خانواده دچار اختلال شده بودند. فضای خانه که می‌توانست آرامش‌بخش باشد، تنش‌زا شده بود. از این مرحله به بعد پرسش‌ها مرتبط با ناسازگاری‌ها بود؛ مثلاً فرزندم گوش به حرف نمی‌دهد یا همسرم در مسئله کرونا همراهی نمی‌کند!

قاعداً اگر به این موضوعات در حوزه پاسخ‌گویی توجه نشود، پاسخ‌گویی مفید نخواهد بود؛ بر همین اساس پرسش‌های اخلاقی متناسب با شرایط زمانه و تحت تأثیر بلایای طبیعی، ممکن است دچار تحول شده و روزآمد شوند (ر.ک: شجاعی، ۱۳۹۹).

نتیجه

برون‌دادهای اخلاقی افراد در جامعه، یکی از نشانه‌های هنجاری آنان است؛ زیرا در جوامع گوناگون افراد تحت تأثیر ویژگی‌های اخلاقی‌شان، نسبت به رخدادهای گوناگون عکس‌العمل نشان می‌دهند؛ چه آنکه رابطه اخلاق با جامعه کاملاً دوسویه است. امروزه متأثر از شرایط گوناگون اجتماعی و به‌ویژه چیرگی رسانه‌ها بر اخلاق فردی و جمعی، پرسش‌ها و شبهات گوناگونی در عرصه اخلاق شکل گرفته است که پاسخ‌گویی به آنها از وظایف حوزه‌های علمیه به‌شمار می‌رود. لزوم آگاهی به دانش اخلاق با سطوح گوناگون معرفتی و گونه‌های منحصر به فردش، در کنار به‌کار بستن مهارت‌های مربوط به پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات اخلاقی، افزون بر حل این مسائل، از طریق انتشار اخلاق اسلامی و راهنمایی پرسش‌گران، می‌تواند دروازه‌ای برای نشر اخلاق اسلامی به روی مردم و مخاطبان حوزه علمیه باشد.

منابع

۱. ابن مسکویه، احمد بن محمد؛ تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق؛ تحقیق عماد هلالی؛ [بی جا]: طلیعة النور، ۱۴۲۶ق.
۲. امیری، علی نقی، محمد همتی و مهدی مبینی؛ «اخلاق حرفه‌ای؛ ضرورتی برای سازمان»، سایت دانشگاه الزهراء^ع، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲/۵/۲۰، مندرج در:
<https://phch.alzahra.ac.ir/page-phchFarhangi/fa/13/show-form/15143-1>
۳. باقری، علیرضا و لیلا افشار؛ «بازخوانی روایی در اخلاق: روشی در آموزش مفاهیم اخلاق پزشکی»، اخلاق پزشکی ایران؛ ش ۵، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۰-۱۸.
۴. پورمدنی، محمد مهدی؛ مصاحبه‌های ثبت تجربیات پاسخ‌گویی به سؤالات دینی؛ قم: مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۹/۱۱/۱۴.
۵. جاودان، رضا؛ «اخلاق روایی»، روزنامه رسالت؛ ش ۷۳۵۷، تاریخ ۱۳۹۰/۶/۱۹.
۶. جلیل‌پور، سید مهدی؛ «نقض شبهات اتهام اخلاق طبقاتی در قرآن»، پاسخ به شبهات دینی؛ ش ۳۳، بهار ۱۴۰۳، ص ۳۵-۵۲.
۷. جماعتی، حسین؛ «بررسی و نقد نظریه تقدم اخلاق بر دین»، پاسخ به شبهات دینی؛ ش ۹، بهار ۱۳۹۷، ص ۷۷-۱۰۵.
۸. جمشیدی‌مهر، فردین و سید مهدی رحمتی؛ «اخلاق فلسفی و اخلاق توحیدی از منظر علامه طباطبایی، بازخوانی مبانی و آثار تربیتی»، فصلنامه جستارهایی در فلسفه و کلام؛ ش ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۷۵-۱۹۰.
۹. خزاعی، زهرا؛ «اخلاق کاربردی: ماهیت، روش‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی؛ ش ۱، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۷۵-۲۰۴.
۱۰. خلیلی، مصطفی؛ «اخلاق توحیدی از دیدگاه علامه طباطبایی^ع»، فصلنامه اخلاق و حیوانی؛ ش ۱، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۲۵-۱۴۵.
۱۱. خندان، محمد؛ «نظریه‌های اخلاق هنجاری و چالش‌های اخلاقی در عرصه مدیریت اطلاعات»، فصلنامه تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی؛ ش ۵۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۲۱-۱۸۷.
۱۲. دانش‌نهاد، محمد و محمدحسن وکیلی؛ «راهکارهای اصلاح درون در اخلاق توحیدی»، فصلنامه اخلاق و حیوانی؛ ش ۲، تابستان ۱۳۹۹، ص ۳۷-۵۹.

۱۳. رودگر، محمدجواد؛ «ماهیت و مؤلفه‌های اخلاق عرفانی»، فصلنامه حکمت اسلامی؛ ش ۴، بهار ۱۳۹۷، ص ۱۷۷-۲۰۲.
۱۴. شجاعی، رضا؛ مصاحبه‌های ثبت تجربیات پاسخ‌گویی به سؤالات دینی؛ قم: مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۹/۱۱/۶ و ۱۳۹۹/۱۱/۷.
۱۵. شریفی، احمد حسین؛ «چیستی اخلاق کاربردی»، فصلنامه معرفت اخلاقی؛ ش ۷، تابستان ۱۳۹۰، ص ۸۳-۹۶.
۱۶. صادقی، تقی؛ «اخلاق پاسخ‌گویی»، مجله حصون؛ ش ۱، ۱۳۸۳، مندرج در:
 اخلاق-و-پاسخگویی/https://ensani.ir/fa/article/85588
۱۷. فیض کاشانی، محمدبن‌شاه مرتضی؛ الحقائق فی محاسن الأخلاق؛ قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۳ق.
۱۸. ملکی، علیرضا؛ مصاحبه‌های ثبت تجربیات پاسخ‌گویی به سؤالات دینی؛ قم: مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، ۱۳۹۹/۱۱/۱۳.
۱۹. وجدانی، فاطمه؛ «بررسی انتقادی مدل تربیت اخلاقی تلفیقی مبتنی بر ایده خبرگی اخلاقی»، نشریه فلسفه تربیت؛ ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۱۵-۱۴۳.
۲۰. وکیلی، هادی، مهدی براتی فر و اسماعیل منصوری لاریجانی؛ «مسئله چگونگی تخلیق به صفات الهی در اخلاق عرفانی»، فصلنامه حکمت معاصر؛ ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۳۹-۵۵.